

حسین زینعلی

وکیل پایه یک دادگستری

## احراز صلاحیت اعضای هیأت مدیره کانون‌های وکلای دادگستری

تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری  
بررسی نظرات و عملکرد کانون‌های وکلای دادگستری

### مقدمه:

مسأله نحوه احراز صلاحیت قانونی داوطلبان عضویت در هیأت مدیره کانون‌ها، به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ به این شرح، تعیین تکلیف قانونی شده است:

«تبصره یک: مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه، ضمن استعلام سوابق از مراجع ذی‌ربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذی‌صلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می‌باشند.»

این روال قانونی تا قبل از سال ۱۳۸۴ مورد عمل قوه قضاییه و کانون‌های وکلای دادگستری قرار داشته است و از طرف کانون‌ها، همواره فهرست داوطلبان با مشخصات مربوطه جهت اجرای مفاد تبصره یک ماده ۴ فوق‌الذکر، خطاب به مسئولین قوه قضاییه، ارسال شده است. سپس دادگاه عالی انتظامی قضات، با بررسی مستقل، نظر نهایی خود را اعلام کرده و فهرست نهایی اعلام شده از طرف مرجع مذکور، مورد عمل در انتخابات هیأت مدیره کانون‌ها، قرار گرفته است.

هرچند در همین حد نیز، مسأله مورد اعتراض وکلای دادگستری قرار داشته و این امر مغایر با فلسفه و روح لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری اعلام شده است. زیرا در ماده ۳ لایحه استقلال قبل از انقلاب، جهت حفظ و تضمین استقلال کامل کانون، احراز صلاحیت توسط نهادهای خارج از دادگاه انتظامی کانون، وجود نداشته است. حسب منطوق لایحه استقلال، شایسته است جهت حفظ تضمین شخصی و آتی وکلای دادگستری، مسأله امر از صلاحیت عضویت در هیأت مدیره، از حیث فقدان تخلفات انتظامی و کیل و صلاحیت اخلاقی و علمی و ثاقت شغلی، لابد لازم است احراز گردد، که بهترین و مناسبترین مرجع احراز این امور، هیأت نظارت بر انتخابات کانون وکلا می باشد.

به هر تقدیر بعد از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (۱۳۷۶) و شروع انتخابات هیأت مدیره کانونها، در اجرای تبصره یک ماده ۴ قانون مذکور، احراز صلاحیت عضویت در هیأت مدیره، توسط دادگاه محترم عالی انتظامی قضات، صورت گرفته است.

لکن در سال ۱۳۸۴ درخصوص کیفیت اعمال ماده مذکور، در داخل قوه قضاییه، ابهاماتی بروز کرد. در نتیجه نسبت به اعلام صلاحیت داوطلبان عضویت در هیأت مدیره کانونهای وکلای دادگستری ایران، از جمله کانون وکلای دادگستری مرکز ظرف دو ماه مقرر، توسط دادگاه عالی انتظامی قضات مشکلاتی آشکار شد و در موعد قانونی این مسأله اعلام نشد.

البته متعاقب مهلت دو ماهه، انتخابات کانون مرکز برگزار شد. لکن مشکل مذکور برای بقیه کانونهای وکلای دادگستری، محل توجه می باشد. این مسأله به عنوان دستور کار مجمع عمومی اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران - اسکودا - مطرح و تصمیماتی اتخاذ شده است.

### انتخابات هیأت مدیره کانون مرکز

با مشخص شدن تغییر دیدگاه درخصوص مسأله احراز صلاحیتهای داوطلبان، قوه قضاییه علی رغم ارسال فهرست داوطلبان توسط کانون مرکز، گویا فهرست اسامی مورد

تأیید و رد صلاحیت شده، توسط اشخاصی غیر از قضات محترم دادگاه عالی انتظامی قضات، اظهار نظر مقدماتی گردید و چنین به نظر رسید که دادگاه عالی انتظامی قضات، لابد باید این فهرست‌ها را به عنوان نظر خویش اعلام کند.

لکن چون بحث صلاحیت‌ها باید مستند با مبانی قانونی و شرعی باشد و با این استدلال که بسیاری از اشخاصی که در این دوره تأیید صلاحیت نشده‌اند و در حالی که در دوره‌های قبلی تأیید صلاحیت شده‌اند، باید عدم تأیید در این دوره، مستند به جهات قانونی و شرعی مستحدثه جدید باشد و این مسأله باید توسط دادگاه عالی انتظامی احراز شود و سایر مراجع در این خصوص اختیار قانونی ندارند. در نتیجه وضعیت جدید احاله تشخیص صلاحیت و عدم صلاحیت به خارج از دادگاه عالی انتظامی، به دلیل مغایرت با نصوص قانونی، مورد تأیید و پذیرش هیأت نظارت، واقع نگردید.

لذا مسأله اعلام صلاحیت داوطلبان عضویت در کانون‌های وکلای دادگستری، به دلیل ایجاد نشدن فضای عمل به قانون، متوقف ماند. زیرا در گذشته استعلام و اصل احراز توسط دادگاه عالی انتظامی به عمل می‌آمد و در شرایط جدید، این رسیدگی توسط مرجعی غیر از دادگاه عالی انتظامی در حال انجام بود و طبعاً دادگاه عالی انتظامی قضات حسب تکالیف قانونی، نمی‌توانست به جای اظهار نظر و احراز قضایی تکلیف ذاتی خویش، نظر سایر اشخاص را به عنوان نظر دادگاه، انشاء کند.

در نهایت با توجه به رویه مرسوم در موارد مشابه قانونی و کسب نظر از مقامات باسابقه قضایی و اساتید حقوقی و وکلای پیشکسوت، در جمع‌بندی نهایی، این مسأله به تأیید قضایی و عملی رسید که برگزاری انتخابات، بعد از انقضای مهلت قانونی دو ماهه، بلامانع می‌باشد.

حسب قواعد شرعی و حقوقی، اصل در مورد اشخاص برائت و صحت وضعیت قبلی (استصحاب امر احرازی) است و چون برای اظهار نظر دادگاه عالی انتظامی مهلت دو ماهه مقرر شده است، با توجه به اینکه صلاحیت اولیه و اصلی وکلای دادگستری با صدور پروانه وکالت، مورد تأیید مقامات و دستگاه‌های مسؤول واقع شده است، عدم اظهار نظر بعدی مرجع ذیصلاح (تبصره یک ماده ۴ مارالذکر) جهت صلاحیت عضویت در هیأت مدیره، دلیل بر فقدان صلاحیت نیست و با شک بر بقای صلاحیت،

لابد استحضاب بقاء صلاحیت، ارجح تر از قبول فقدان آن می باشد.

البته در جریان انتخابات کانون مرکز، مکاتبات چندی با مسئولین قوه قضاییه انجام شد و نسبت به درخواست اعلام نظر مقامات صاحب صلاحیت قانونی، تقاضای مکرر صورت گرفته است، که گویا موضع مقامات، از برگزاری انتخابات تا احتیاط در تأخیر انتخابات، در نوسان بوده است. در نهایت قبل از شروع انتخابات، نامبری از طرف وزیر محترم دادگستری ارسال و در آن، نسبت به تأیید صلاحیت برخی داوطلبان و عدم تأیید دیگران و چگونگی برگزاری انتخابات، مطالبی عنوان می گردد.

لکن هیأت نظارت بیست و چهارمین دوره انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز، با این استدلال که وزیر محترم دادگستری، جزو مقامات احصاء شده قانونی مندرج در تبصره یک ماده ۴ قانون نحوه اخذ پروانه وکالت دادگستری نیست، خود را مکلف به اعمال نظر وزیر محترم ندانست. در نتیجه انتخابات کانون مرکز برگزار شد.

البته وزیر محترم دادگستری در جریان مصاحبه مطبوعاتی خویش مدعی بود، عمل وی غیر قانونی نبوده است. زیرا تشکیل کانون وکلا زیر نظر وزارت دادگستری می باشد و ایشان به عنوان وزیر دادگستری از طرف قوه قضاییه، حق دخالت در این مسایل را دارد. به هر حال اعلام شد که چون تبصره یک ماده ۴ قانون اخذ کیفیت، در خصوص مرجع صاحب صلاحیت برای اظهار نظر، صراحت قانونی دارد، و با توجه به منع اجتهاد در مقابل نص قانونی، بعلاوه رویه مسلم قضایی سال های گذشته برای وزیر محترم دادگستری، حق اظهار نظر قانونی در نظر گرفته شده است.

بعد از برگزاری انتخابات کانون مرکز، از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات، نسبت به عدم احراز صلاحیت برخی از کاندیداها اظهار نظر شد. در نتیجه هیأت نظارت بر انتخابات، یک نفر از اشخاص منتخب را به این دلیل، واجد اعتبار عضویت در هیأت مدیره ندانست و نفر بعدی جایگزین گردید.

بنابراین با توجه به قاعده مفهوم و فحوی مخالف، صحت انجام انتخابات از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات، تأیید گردید. زیرا اعلام نظر اخیر دادگاه در مقامی که انتخابات برگزار شده است، در صورت اعتقاد به بطلان انتخابات، باید شامل حکم کلی می گردید و لذا وقتی فقط نسبت به دو نفر اظهار نظر می گردد، به قرینه مخالف، صحت

انتخابات و صلاحیت بقیه نفرات منتخب، صحیح تشخیص داده شده است.

### دلایل تغییر روش احراز صلاحیت

درخصوص علت تغییر شرایط احراز صلاحیت در قوه قضاییه، هر چند مقامات مسؤول قضایی دادگاه عالی انتظامی قضات، توضیحات قانونی ارائه نشده است، لکن از طرف رییس محترم مرکز امور مشاوران حقوقی قوه قضاییه در قالب مصاحبه مطبوعاتی و مکاتبات با برخی کانون‌ها، دلایل این تغییر دیدگاه بیان شد. هرچند اعلام شده، تنها تکلیف قانونی مرکز، صرف نظر از اصل مباحث مربوط به نحوه اجرای این ماده، فقط بحث صدور پروانه حسب ماده ۱۸۷ مربوطه، در مهلت قانونی برنامه سوم توسعه کشور می‌باشد و بقیه ارجاعات داخلی و اداری، نمی‌تواند مغایر قانون مصوب باشد.

حسب مجموعه این اظهارات و شنیده‌ها در داخل قوه قضاییه، در گذشته نامه کانون‌ها درخصوص موضوع، جهت اعمال مقررات قانونی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می‌گردید و مسؤولان محترم دادگاه عالی انتظامی، وفق مقررات از مراجع ذیصلاح استعلام کرده و با توجه به جمیع مسایل قانونی شرعی، نظر نهایی خود را اعلام می‌کردند.

لکن در سال ۱۳۸۴ گویا مسأله سیر دیگری پیدا کرده است. به این صورت که به جای ارسال موضوع، فقط به دادگاه عالی انتظامی قضات، به جهاتی که ضرورت و مجوز قانونی آن بیان نشده، موضوع بعلاوه به هیأت ماده ۲ آیین‌نامه ماده ۱۸۷ برنامه سوم، ارجاع شده است و در نتیجه به علت ارجاع داخلی ریاست محترم قوه قضاییه، خود را ناچار به اظهار نظر در این خصوص می‌دانند.

بدیهی است چون دادگاه عالی انتظامی قضات، عالی‌ترین مرجع تخصصی قضایی - وکالتی در کشور می‌باشد، قادر به تخلف از قانون، صراحت تبصره یک ماده ۴ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت دادگستری، نیست. حسب مفاد قانونی، مسأله احراز صلاحیت با استعلام از مراجع شناخته شده، باید به صورت مستقیم توسط دادگاه عالی انتظامی قضات انجام بگیرد و قضات معزز این دادگاه، صلاحیت ذاتی و تکلیف قانونی اظهار نظر در تأیید یا رد صلاحیت را دارند و سایر مقامات، هرچند معتبر و محترم، طبق قانون این

حق را ندارند.

### ادعای بطلان انتخابات کانون مرکز

بعد از انجام انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز، این مسأله مورد پذیرش عملی مقامات مسؤول واقع شد و گویا حسب برخورد بعدی دستگاه‌های ذی‌صلاح، این بحث سالبه به انتفاء موضوع، قلمداد گردید. لکن رییس مرکز مشاورین حقوقی قوه قضائیه، ضمن ابراز گلایه از برگزاری انتخابات مذکور، حتی مدعی بطلان انتخابات کانون مرکز گردید!

مشاراییه، در مصاحبه مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۹ که متن آن در سایت‌های اینترنتی انتشار یافت، درخصوص انتخابات کانون مرکز عنوان داشت:

«قانونگذار در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ وجود شرایط و فقدان موانعی را برای متقاضیان دریافت پروانه وکالت پیش‌بینی کرده و اشاره کرده است که افرادی که می‌خواهند پروانه وکالت بگیرند باید دارای شرایطی باشند از جمله التزام عملی به دین اسلام، معتقد به ولایت فقیه و شرایط دیگر و در همین رابطه اعضای هیأت مدیره کانون وکلا علاوه بر دارا بودن شرایط فوق باید شرایط دیگری را نیز داشته باشند، که طبق قانون یعنی به موجب تبصره ۱ ماده ۴ آن قانون مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا دادگاه انتظامی قضات است که باید ظرف ۲ ماه اظهار نظر کند.

دادگاه عالی انتظامی قضات بخشی از دستگاه قضایی است پس کانون وکلا نیز زیر نظر قوه قضائیه است. در همین رابطه اسامی کسانی را که کاندیدا شدند برای دادگاه عالی قضایی ارسال می‌شود، آقایان مدعی هستند که دادگاه عالی انتظامی قضات ظرف دو ماه باید اظهار نظر کند و چون اظهار نظر نکرده است بنابراین انتخابات را برگزار کردند و افرادی به عنوان اعضای هیأت مدیره انتخاب شدند.

ما معتقدیم این انتخابات مستند به همین قانون غیرقانونی است و افرادی که انتخاب شده‌اند وجاهت قانونی ندارند... چرا که شرایطی که در قانون برای اعضای هیأت مدیره مشخص شده است باید احراز گردد.

یعنی چنین فردی دارای این شرایط است و همچنین مانع باید مفقود باشد بنابراین لازمه اعلام، احراز است و تا زمانی که اعلام نشده است افراد نمی‌توانند به صرف اینکه مدت زمان تمام شده، انتخابات را برگزار کنند چرا که قانون در این مورد ساکت است و از این سکوت قانون نمی‌توان تأیید صلاحیت داوطلبان را احراز کرد چرا که طبق قاعده حقوقی به فردی که سکوت اختیار کرده نمی‌توان چیزی را نسبت داد و سکوت همیشه علامت رضا نیست مگر اینکه سکوت همراه قرینه باشد. در این مورد باید صلاحیت کاندیدها احراز شود و اعلام نیاز به احراز دارد فلذا چون از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات مطلبی اعلام نشده است و صلاحیت افراد که احراز شده یا نشده اعلام نگردیده و بدون توجه به آن این انتخابات انجام گردیده بنابراین این انتخابات خدشه‌دار است و قانونی نیست.»

وی مدعی شد:

«... بعد از برگزاری انتخابات صلاحیت فردی از افراد انتخاب شده رد گردیده و اعلام شده است که صلاحیت انتخاب ندارد در صورتی که نام این فرد در لیست انتخابات بوده و جز افراد منتخب هم قرار گرفته اما بعد از انتخابات توسط هیأت نظارت نیز صلاحیت ایشان رد شده است این موارد نشان می‌دهد که انتخابات انجام گرفته غیرقانونی و فاقد وجاهت است.»

البته اظهارات ایشان، از طرف سایر مقامات ذیصلاح قضایی، نظیر اعضای دادگاه عالی انتظامی یا قضات عالی‌رتبه دیوانعالی کشور، مورد تأیید و یا ابرام واقع نگردیده و یا اینکه نظرات مسؤولین قضایی، جهت آگاهی وکلای دادگستری، انتشار علنی نیافته است.

### مسائل کانون گیلان

درخصوص انتخابات هیأت مدیره کانون گیلان، مشکلات مذکور، به نحو مشابهی در جریان بوده است. در این خصوص بعد از اعلام فهرست اعضای کاندیدای عضویت در هیأت مدیره به مراجع ذیصلاح، ابتدا حسب نامه شماره ۱۲۰۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۶ از طرف دبیر هیأت اجرایی و رییس مرکز امور مشاوران حقوقی قوه قضاییه، درخواست

شده: «به دلیل دستور ریاست محترم قوه قضائیه که طی نامه مورخ ۱۳۸۴/۸/۲۵ به دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام گردیده، تأیید صلاحیت اعضای هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا با هیأت موضوع ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه می‌باشد، لذا مقتضی است مشخصات داوطلبان عضویت در هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری آن استان، به صورت کامل و در صورت داشتن سوابق با قید سوابق مذکور جهت بررسی صلاحیتی به این مرکز ارسال کنند.»

در پاسخ حسب نامه شماره ۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۹ رییس هیأت نظارت بر انتخابات کانون گیلان، خطاب به رییس مرکز مشاوران حقوقی قوه قضائیه، «... تردیدی نیست که آحاد ملت، بنده و جنابعالی و خصوصاً ریاست محترم قوه قضائیه که ضمناً مسؤولیت نظارت بر حسن اجرای قوانین را برعهده دارد همگی تابع قانون، مسؤول و پاسخگوی عملکرد خود برابر قوانین جاری مملکت هستیم.

بنابراین و از آنجا که تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری صریحاً و منحصرأ مرجع صلاحیت نامزدی عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا را دادگاه محترم عالی انتظامی قضات تعیین کرده است، تفویض این صلاحیت به مرجع دیگر، خلاف صریح قانون و خارج از صلاحیت و اختیارات ریاست محترم قوه قضائیه است.

با عنایت به اینکه هیأت مدیره کانون به حکم الزام قانونی مکلف است صرفاً اظهارنظر دادگاه محترم عالی انتظامی قضات را در انتخابات ملاک عمل قرار دهد و اظهارنظر مراجع غیرذیربط چه در تأیید و چه در رد صلاحیت نامزدها متبع نبوده و اعضای هیأت مدیره کانون و هیأت نظارت بر انتخابات مسؤولیت لحاظ اظهارنظر هیچ مرجع دیگر، جز دادگاه محترم عالی انتظامی قضات را نمی‌تواند برعهده بگیرد، ضمن رعایت احترام مقامات محترم به عذر قانونی، از اعلام پاسخ موردنظر، معذوریم و انتظار توجه بیشتر به مقررات و موازین قانونی را داریم». البته کانون گیلان این مسأله را به مرجع ذی صلاح قانونی، یعنی دادگاه عالی انتظامی قضات، گزارش می‌کند.

سپس حسب نامه شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۴ رییس مرکز امور مشاوران حقوقی قوه قضائیه اعلام شده است:



«شایسته توضیح می‌داند که به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، مرجع قانونی بررسی صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره کانون‌های وکلا، دادگاه محترم عالی انتظامی قضات بوده و در این زمینه هیچ گونه تفویض اختیاری صورت نگرفته و اساساً تبصره مورد اشاره ناظر به تکلیف بوده و اصولاً تفویض تکلیف فاقد وجاهت قانونی می‌باشد.

مع الوصف برداشت آن کانون از مفاد مکاتبه به عمل آمده منطبق با واقع نمی‌باشد. زیرا دادگاه عالی انتظامی قضات به صراحت قانون باید از مراجع نظارتی در مورد نامزدها استعلام و سپس اظهار عقیده کند. آنچه به هیأت ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی محول شده است انجام این قبیل استعلامات و بررسی‌های لازمه و ارایه نظریه کارشناسی به دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد.

بنابراین با یادآوری مجدد این نکته که صلاحیت آن دادگاه مصون از تعرض بوده و فلسفه تصویب تبصره مذکور در واقع اعمال نظارت قوه قضاییه به عنوان بخشی از حاکمیت به عملکرد کانون‌های وکلای دادگستری می‌باشد، که انتظار همکاری از آن کانون در راستای اجرای هرچه بهتر قانون را دارد.»

البته انتخابات کانون وکلای دادگستری گیلان، مشابه وضعیت کانون مرکز، بعد از انقضای مهلت قانونی دو ماهه، در ابتدای سال ۱۳۸۵ برگزار گردید. لکن حسب آخرین نامه مرکز مشاوران قوه قضاییه، این حقیقت قانونی اعلام می‌شود که اصل احراز صلاحیت به عهده دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد و واگذاری تکلیف مذکور خلاف قانون می‌باشد. لکن مسأله توجیه می‌شود که جهت اجرای بخش مقدماتی عمل به تبصره یک ماده ۴ قانون مارالذکر، یعنی استعلام و اظهار نظر اولیه به عنوان تهیه نظرات کارشناسی، به مرکز مذکور، حسب دستور ریاست محترم قوه قضاییه، مکاتبات مذکور انجام شده است.

لکن گفته شده، بحث استعلام و ملاحظه جواب مراجع ذی صلاح، برای داوطلبین عضویت در هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری، باید توسط خود قضات معزز احراز شود و اگر هم در این خصوص، اخذ نظر کارشناسی یا اقدام مقدماتی توسط سایر مراجع لازم باشد، حسب رویه‌های موجود در نظام دادرسی دادگاه عالی انتظامی، لابد تشخیص

نیاز به این مقدمات و دستگاه مجری آن، توسط خود قضات محترم تعیین می‌گردد. بدیهی است از حیث دفتری و مکاتبات اداری، تشکیلات مستقل دادگاه عالی انتظامی قادر به ایفای وظایف محوله خواهد بود.

همچنین به استناد قاعده واجب بودن ذی‌المقدمه از واجب بودن مسأله اصلی، وقتی قانون تکلیف احراز صلاحیت و استعمال از مراکز ذی‌ربط را به عهده دادگاه عالی انتظامی قضات واگذار کرده است، طبیعی است که اقدامات مقدماتی نیز در صلاحیت انحصاری این مرجع می‌باشد و همانطور که کانون‌ها گفته‌اند و حتی مرکز مذکور آن را قبول کرده است، تفویض هرگونه تکلیف قانونی و مقدماتی قانونی آن، از جمله مانحن فیه، فاقد وجاهت قانونی می‌باشد.

#### مکاتبه ریاست محترم قوه قضاییه

با توجه به طرح این مسأله در دومین جلسه دوره دوم هیأت اجرایی اسکودا، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۵ در تهران، حسب بند ۱۹ صورتجلسه مذکور، مقرر شد درخصوص ارجاع رسیدگی به صلاحیت کاندیداهای عضویت در هیأت مدیره کانون‌ها به کمیسیون موضوع ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷، نامه‌ای به رییس محترم قوه قضاییه ارسال گردد.

لذا به عنوان حضرت آیت‌الله شاهرودی ریاست معظم قوه قضاییه، طی نامه شماره ۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۶ رییس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران، مکاتبه و اعلام داشته است:

«... به طوری که از کانون‌های استان‌های گیلان، مازندران و گلستان اطلاع داده‌اند، از طرف ریاست محترم مرکز مشاورین قوه قضاییه طی نامه‌ای تقاضا شده است اسامی نامزدهای عضویت هیأت مدیره آن کانون‌ها را جهت بررسی صلاحیت آنان برای ایشان ارسال دارند که این امر غیرقانونی مورد اعتراض کانون‌های یاد شده و جامعه وکالت قرار گرفته است.

زیرا طبق ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوبه ۱۳۷۶/۱/۱۷ مجلس پنجم شورای اسلامی، تشخیص احراز صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت

مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضات تفویض شده و از تاریخ تصویب قانون مارالذکر به همین صورت عمل شده است.

نظر به اینکه اقدام مرکز مشاورین حقوقی قوه قضاییه خلاف نص صریح قانون است و نظر به اینکه دادگاه عالی انتظامی قضات وسیله قضات دانشمند و عالی مقامی تصدی می شود که آرای صادره از آن همیشه رهگشای قضات سراسر کشور بوده است، خواهشمند است دستور فرمایید ریاست محترم مرکز مشاورین حقوقی از مکاتبه در این خصوص امتناع نموده و اجازه دهند دادگاه عالی انتظامی قضات به وظایف قانونی خود عمل نماید.»

#### تصمیمات ششمین مجمع عمومی اتحادیه اسکودا

همانطور که گفته شد، بحث نحوه احراز صلاحیت برای عضویت در هیأت مدیره کانون‌ها، به عنوان دومین بند دستور کار ششمین مجمع عمومی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران - اسکودا، در جریان همایش در تاریخ ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۸۵ به میزبانی کانون وکلای دادگستری قزوین و زنجان، در جلسات مجمع عمومی اتحادیه، مطرح و مورد بحث قرار گرفت.

در این خصوص به عنوان ماده ۲ مصوبات مجمع عمومی اتحادیه، به اتفاق آرا تصویب گردید:

«مجمع، بررسی صلاحیت کاندیدهای عضویت در هیأت مدیره کانون‌ها توسط مرجعی غیر از دادگاه عالی انتظامی قضات را به لحاظ مغایرت با قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۷۶، پذیرفته و در ارتباط با مسایل پیش آمده در انتخابات اخیر کانون‌های مرکز و گیلان و آذربایجان شرقی، به اتفاق آرا تصویب نمود که مراتب طی ملاقات نمایندگان کانون‌ها به اتفاق اعضای شورای اجرایی اتحادیه به ریاست محترم قوه قضاییه مطرح و مورد مذاکره قرار گیرد.»

حسب اطلاع، پیرو مصوبه مذکور، موضوع مجدداً جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه و سایر مسؤولین مرتبط، گزارش و درخواست اقدام مقتضی به عمل آمده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به هر حال، این مسأله و تأثیر آن در انتخابات هیأت مدیره کانون‌ها، باعث شد یک بار دیگر این امر به شدت احساس شود که، لازم است قوه قضاییه در مسایلی مربوط به کانون وکلای دادگستری، با تدبیر بیشتری عمل کند.

هر چند کانون وکلای دادگستری در عین استقلال کامل اداری - مالی، در ارتباط کاری اصلی با قوه قضاییه تشکیل می‌شود و لکن بحث در این است که هر گونه اقدام جهت نظارت و اعمال حاکمیت بر کانون، به دلیل ضرورت رعایت استقلال کانون وکلای دادگستری، باید صرفاً از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی و حسب نصوص مقررات معتبر، صورت بگیرد. اساساً فرق ماهیتی کانون وکلای دادگستری با سایر نهادهای ذیل قوه قضاییه در اهمیت و مبانی و مبادی ضرورت حفظ استقلال کانون وکلای دادگستری، می‌باشد.

یعنی به دلیل حساسیت شغل وکالت و اهمیت آن در دادرسی عادلانه، و کانون وکلای دادگستری به عنوان مرجع صدور و تمدید پروانه وکالت، و دادگاه انتظامی کانون به عنوان تنها مرجع صاحب صلاحیت تعلیق و یا محرومیت از شغل وکالت، و به طریق اولی نحوه احراز صلاحیت و عضویت در هیأت مدیره کانون، باید در عمل اطمینان حاصل شود که وکلای دادگستری تحت نظارت کانون متبوع، می‌توانند بدون هیچ گونه مشکلی، با رعایت مقررات مربوطه، نسبت به دفاع از مظلوم و احقاق حقوق موکلین خویش تظلم خواهی کنند. لذا چه از حیث جلوگیری از کار وکیل در حین دادرسی، چه از حیث خدشه به اعتبار پروانه وکالت و چه از حیث نحوه سمت و تصدی هیأت مدیره کانون متبوع، حتی به احتمال ضعیف، امکان اعمال نظرات یک جانبه غیرمنطقی به ایشان، نباید وجود داشته باشد.

بنابراین، تأکید در این امور، به منزله حمایت از وکیل جهت امکان دفاع بدون دغدغه جهت استحکام نظام دادرسی در کشور و البته در چهارچوب‌های قانونی می‌باشد. بدیهی است، هرگونه تخلفات وکیل، باید در مرجع مستقل دادسرا و دادگاه انتظامی رسیدگی گردد و لکن جهت تضمین استقلال کاری وکیل، علاوه بر ضرورت رعایت شئون قضایی برای وکیل در مقام دفاع، برای حفظ و رعایت استقلال وکیل و کانون،

مقامات محترم کشوری و لشکری و قضایی، بدون رسیدگی در مرجع صلاحیت‌دار، به شخصه نباید حق اعمال فشار یا سلیقه یا حاکمیت بر وکیل و کانون متبوع را داشته باشند و هر گونه نظارت یا اعمال حاکمیت در این خصوص، باید از مجاری قانونی دادسرا و دادگاه انتظامی صورت بگیرد.

همه می‌دانیم که این ویژگی وکیل و کانون، برای حمایت از موکلان و برای دفاع از حقوق در معرض خطر افراد جامعه بوده و یک نیاز ملی می‌باشد و عمل به آن، به منزله بالا بردن ارزش و اقتدار و منزلت قوه قضاییه است. یعنی در سیستم قضایی، جهت تضمین اصل عدالت در دادرسی و امکان دادخواهی و دفاع و محاکمه عادلانه، امکان استقلال کامل کاری برای وکیل فراهم می‌شود. این مسأله از جهات داخلی و بین‌المللی، به نفع حاکمیت و قوه قضاییه است و از نشانه‌های اصلی، توسعه قضایی در کشور است. در نتیجه، چنانچه مقامات ارشد قوه قضاییه، تمایل به اجرای روش‌های جدیدی برای نظارت بر کانون دارند، بهتر آن است که در این خصوص با مسؤولین و متصدیان اصلی کانون‌ها، مشورت و رایزنی شده و در هر حال این امور باید از طریق پیشنهاد به مجلس و مصوبه قانونی صورت بگیرد و تا قبل از تصویب لوایح جدید، صدور بخشنامه یا دستور کتبی، جهت تغییر روش مفاد قوانین مجلس شورای اسلامی، به صلاح دستگاه قضایی کشور نیست.

تجارب متعدد تصمیمات برخی اشخاص که به اسم قوه قضاییه تمام شد، مثل بحث انحلال دادسرا، ایجاد دادگاه عام، انحلال پلیس قضایی و نظایر آن، به دلیل عدم مشورت با اهل فن و پافشاری بی‌جهت در اجرای نظرات غیرمنطقی و نداشتن تحمل استماع دیدگاه‌های مخالف، موجب اجرای فوری مسایلی گردید که اشکالات متعدد این شیوه ضمن تخریب داشته‌های قبلی، متأسفانه باعث صدمه به اعتبار مسؤولین محترم و ایراد خسارت و ضرر و زیان جبران‌ناپذیر به منافع عمومی جامعه گردید. بدیهی است هیچ منطقی حکم نمی‌کند که شیوه مذکور، مکرراً مورد استفاده قرار گیرد.

لذا مسأله مشورت در مسایل وکلای دادگستری و البته هر امر دیگری، از حیث عمل به آیات شریفه: «... الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه (کسانی که نظرات مختلف را گوش کرده و بهترین آن را انتخاب می‌کنند)» و آیه «شاوور هم فی الامر (با ایشان در امور

مشورت کن)) و استفاده از کلام گهربار حضرت علی (ع): «من استقبال وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء (آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، موقعیت خطا را خواهد شناخت)) و حکمت «و من شاور الرجال شارکها فی عقولها (و هر کس با دیگران مشورت کرد در عقل‌های آنان شریک می‌شود)».

بهرتر آن است که برای رفع هر گونه مشکل فرضی (مربوط به وکالت) و یا پیاده سازی دیدگاه‌های جدید (صرف نظر از ضرورت ازین بردن رویه‌های شناخته شده قبلی)، لازم است بیشتر از هر زمان دیگری از تعقل و مشورت جمعی کارگزاران و تجربیات اهل فن، یعنی قضات معزز دادگاه انتظامی قضات، و مقامات ارشد قضایی دیوانعالی کشور و وکلای دادگستری پیشکسوت و باتجربه، استفاده شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی